

## گفتمان واساز در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست

محمد رضا نوراللهی<sup>۱</sup>

شیده احمدزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله پیش رو به بررسی «گفتمان واساز» در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست اثر زورا نیل هرستون، نخستین رمان نویسنده زن آمریکایی-آفریقایی تبار می‌پردازد. مطالعات انجام شده بر روی برجسته‌ترین آثار فمینیستی سیاه‌پوستان آمریکا نشان می‌دهد که گفتمان واساز ابزاری مؤثر در دست زنان سیاه‌پوست جهت مقابله با استثمارشان است. یکی از بارزترین ویژگی‌های این گفتمان نفی اصول نظام خردمركز محور است که سال‌ها بسیاری از گروه‌های اقلیت را از داشتن صدایی مستقل محروم کرده بود. در گفتمان واساز از عناصری استفاده می‌شود که توسط طبقه حاکم به صورت منفی تعریف شده و از آن‌ها برای انقیاد بخش‌هایی از اجتماع سود برده‌اند. از مهم‌ترین این عناصر می‌توان به سکوت، خشونت، جنون، هم‌جنس‌خواهی و منطق‌ستیزی اشاره کرد. به همین سبب، نویسندگان مقاله این گفتمان را «گفتمان واساز» نامیده‌اند. به منظور نشان دادن چگونگی استفاده ابزاری زنان سیاه‌پوست از این گفتمان، رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این اثر، بزرگ‌ترین اقدام برانداز چینی، قتل تی‌کیک، عاشق و آخرین همسر خود است که با آن چینی به یک صدای مستقل و بی‌نیاز از مردان می‌رسد و در همین رابطه، سکوت چینی به هنگام محاکمه توسط هیئت منصفه تماماً متشکل از مردان سفیدپوست اهمیت می‌یابد. این پژوهش با بهره‌گیری از واسازی و با تاکید بر ویژگی خردمركز محوری آن انجام شده است.

واژگان کلیدی: گفتمان واساز، مرکز محوری، دوگانه‌های متضاد، زورا نیل هرستون، چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست.

دوره سیزدهم شماره ۱۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

۱. استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

mr.noorollahi@gmail.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی

sheed9@gmail.com

## مقدمه

این مقاله به بررسی «گفتمان واساز»<sup>۱</sup> در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست<sup>۲</sup> (۱۹۳۷) اثر زورا نیل هرستون<sup>۳</sup> می‌پردازد. مطالعات انجام شده بر روی برجسته‌ترین رمان‌های نویسندگان زن آفریقایی - آمریکایی نشان می‌دهد که در آثار فمینیستی زنان سیاه‌پوست آمریکا، گفتمان واساز ابزاری مؤثر جهت مقابله با استثمار به شمار می‌رود. در این میان رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست، به‌عنوان نخستین رمان مهم این حوزه ادبی و به‌ویژه به سبب تأکید بیش از حد آن بر زبان و گفتمان، انتخاب گردیده تا در آن شیوه‌های مقابله با گونه‌های مختلف استثمار به کمک گفتمان واساز تجزیه و تحلیل شوند.

پیش از شروع بحث، ناگزیر هستیم مفاهیمی چون «زبان»، «گفتمان»، «متن» و «صدا»<sup>۴</sup> را تعریف کنیم. از آنجایی که در چند دهه اخیر، گام‌های مؤثری در راستای تحلیل جامعه‌شناختی زبان برداشته شده است، کلمات «زبان» و «گفتمان» به‌عنوان معادل یکدیگر کاربرد پیدا کرده‌اند. بی‌شک، این معادل‌سازی تا اندازه زیادی قابل توجیه است، زیرا «گفتمان» به هرگونه استفاده خاص از زبان به‌عنوان جزئی از زندگی اجتماعی انسان که در ارتباط تنگاتنگ با دیگر اجزاء است اشاره می‌کند و به گفته نورمن فرکلاف<sup>۵</sup>، «زبان جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بشر است» (۲) با توجه به ارائه تعریف «گفتمان» بر پایه زبان، اکنون باید به تعریف و تشریح ماهیت زبان بپردازیم.

ویژگی بارز زبان، کلامی بودن آن است؛ بدین معنا که جوهره اصلی زبان را کلمات - به‌صورت گفتاری، شنیداری<sup>۶</sup> یا نوشتاری - تشکیل می‌دهند، درحالی‌که در جامعه مردسالار سفیدپوست، دانش و سواد همواره وابسته به شکل نوشتاری زبان بوده است. به همین سبب، بسیاری از گروه‌های اقلیت به‌منظور مخالفت با طبقه حاکم تأکید بر استفاده گفتاری - شنیداری از زبان داشته‌اند.

«متن» مفهوم دیگری است که در ارتباط با مفاهیم مرتبط «زبان»، «گفتمان»، و «تحلیل گفتمان»<sup>۷</sup> تعریف می‌شود: «به هر نمونه واقعی استفاده از زبان متن می‌گوئیم»

1. Deconstructive discourse
3. Zora Neale Hurston
5. Norman Fairclough
7. discourse analysis

2. Their Eyes Were Watching God
4. language, discourse, text and voice
6. oral – aural

(فرکلاف ۳). لازم به توضیح است که در تمامی مباحث پیش‌رو، از «تحلیل گفتمان» با رویکرد جامعه‌شناختی استفاده می‌شود و در همین راستا، فرکلاف می‌نویسد: «به‌منظور افزایش توان تحلیل متن به‌عنوان عنصری مؤثر در فرآیندهای اجتماعی، نیازمند به خلق رویکردهای جدیدی جهت تحلیل متن در حوزه نظریه‌پردازی و مطالعات جامعه‌شناختی هستیم» (۶).

### پیشینه پژوهش

ژک دریدا<sup>۱</sup> برای اولین بار از کلمه «واسازی»، در اثر در باب نوشتارشناسی<sup>۲</sup> (۱۹۷۵) استفاده می‌کند تا نشان دهد که مفهوم زبان بیشتر به نوشتار و نه گفتار اشاره دارد. در اینجا، دریدا تلاش می‌کند تا به اثبات برساند نوشتار زائیده خرد انسان نیست (۱۰). وی سپس نتیجه می‌گیرد که معنای جملات برگرفته از خرد<sup>۳</sup> و یا افکار نویسنده نبوده و به ناچار معنا تاحدی متضمن تفسیر و تعبیر است. این ضرورت به تفسیر و تعبیر جملات توسط خواننده منجر به پدیده‌ای می‌شود که دریدا آن را واسازی می‌خواند.

در اثر معروف خود به نام «ساختار، نشانه، و فرایند بی‌پایان دلالت در گفتمان علوم انسانی»<sup>۴</sup> (۱۹۶۶) — که بعدها به بیانیه‌ی پساساختارگرایی معروف شد — دریدا پس از انکار مرکز اظهار می‌دارد که کلمات فاقد هرگونه مفهوم معین هستند. به همین سبب پیام‌ها مشمول هرگونه برداشتی می‌شوند و این سرآغاز پساساختارگرایی و رهایی از استیلائی مرکز در اشکال مختلف بود که نوید جامعه‌ای آزاد و بدون برچسب‌هایی چون نابهنجار، مجنون، غیرمنطقی، وحشی، و غیره را می‌داد.

یکی از آثار مهم حوزه‌ی واسازی «نامه به دوست ژاپنی»<sup>۵</sup> (۱۹۸۳)، به قلم دریدا می‌باشد. در این نامه، دریدا واسازی را یک حرکت ساختارزدا - ساختارگرا می‌داند. زیرا که در آن پس از شکستن همه‌ی ساختارها و شالوده‌ها باید ساختارها و شالوده‌های جدیدی را بنا نهاد.

دبورا کلارک<sup>۶</sup> در مقاله «داستان روایت‌شده از رواق گویای ظاهر نیست: صدا و

1. Jacques Derrida

2. *Of Grammatology*

3. logos

4. "Structure, Sign, and Play in the Discourse of the Human Sciences"

5. "Letter to a Japanese Friend"

6. Deborah Clarke

ظاهر در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست» (۲۰۰۱) به بررسی ارتباط میان صور خیال بصری و قدرت در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست اثر زورا نیل هرستون می‌پردازد. نویسنده توجه خواننده را به روایت غیرمستقیم رمان جلب نموده و بیان می‌کند که جینی به هنگام روایت سرگذشت خود برای فیبی<sup>۲</sup>، بر این نکته تأکید دارد که نقل داستان به تنهایی کافی نیست بلکه وی همچنین نیازمند فراهم آوردن درک عمیق از آن حکایت است. در خصوص ایجاد چنین درکی، هرستون به تفاوت‌های ظاهری سازنده‌ی هویت از قبیل رنگ پوست اشاره می‌کند. یکی از ارکان مهم ادبیات آفریقایی - آمریکایی، دست یافتن قهرمان داستان به یک صدای منحصر بفرد جهت خلق هویت است؛ اما آنگونه که مریاتای ولف<sup>۳</sup> می‌گوید: «یک روایت موفق، روایت بصری است. بهترین ناطقان آنهایی هستند که با نطق خود تصاویر بزرگی را می‌آفرینند» (۲۲۶). بنابراین در نظر هرستون، خلق هویت آفریقایی - آمریکایی از طریق صدایی که منجر به دیدن پیکره سیاه‌پوستان شود میسر است. در پایان، نویسنده مقاله چنین نتیجه‌گیری می‌کند که هرستون در سرتاسر رمان خود سلسله مراتب معمول قدرت را به چالش می‌کشد، قدرتی که از دیرباز منتسب به رنگ سفیدپوست بوده است.

راشل بلا دوپلیسیس<sup>۴</sup> در «قدرت، داوری و حکایت در اثری از زورا نیل هرستون» (۱۹۹۱)<sup>۵</sup> نیز در همین راستا می‌نویسد: هرچند که جینی در نظر همسایگان‌ش سراپا زبان است اما ن می‌توان این نکته را از نظر دور داشت که از همان ابتدای داستان پیکر وی به شکل شهوت‌انگیزی مجسم گردیده است. در اینجا، نکته جالب توجه این است که جینی، قهرمان داستان، به این ویژگی پیکر خود با وجود رنگ سیاهش واقف است، زیرا که وی می‌گوید: «من رنگین پوست هستم». (هرستون ۹) و این در حالی است که او در جامعه‌ای زندگی می‌کند که رنگ پوست دارای بار فرهنگی بسیار زیادی است.

«صدا و منیت در چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست زورا نیل هرستون»<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) به

1. "The Porch Couldn't Talk for Looking: Voice and Vision in *Their Eyes Were Watching God*."

2. Pheoby

3. Maria Tai Wolff

4. Rachel Blau DuPlessis

5. "Power, Judgment, and Narrative in a Work of Zora Neale Hurston: Feminist Cultural Studies"

6. "Voice and Interiority in Zora Neale Hurston's *Their Eyes Were Watching God*."



قلم مریا جی راسین<sup>۱</sup> به بررسی سرکوب آزادی بیان زنان و همچنین منیت آن‌ها در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست- اثر مشهور هرستون می‌پردازد. این مقاله به تحلیل و تفسیر چهل سال سکوت قهرمان داستان پرداخته و سپس راهکارهای مورد استفاده توسط وی جهت دستیابی به یک صدای مستقل در طول این چهل سال را مورد بررسی قرار می‌دهد. به باور نویسنده، در پایان رمان، جینی به چنان صدای غالبی دست می‌یابد که وی نیازی به خطاب قراردادن خواننده ندارد و در حقیقت، خواننده، شنونده داستان روایت شده برای زن سیاه‌پوستی به نام فیبی است. از این روست که هرستون شخصیت جینی را به هنگام بازگشت به وطنش با صفاتی چون قدرت، شجاعت و غرور توصیف می‌کند.

رایان سیمونز<sup>۲</sup>، نویسنده مقاله «سلسله مراتب: چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست زورا نیل هرستون و قربانی اقتدار روایی»<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) به بررسی پیچیدگی‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی ساختار قدرت و همچنین اهمیت نقش رهبری قدرت مبادرت می‌ورزد. وی اظهار می‌دارد که هرستون در رمان خود، الگویی از ساختار قدرت را ارائه می‌کند که در آن نظام‌های سرکوبگر یکی پس از دیگری کنار زده شده تا در نهایت قهرمان داستان موفق می‌شود به خوداستقلال دست یابد. در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست، هرستون از طریق دو شخصیت لوگان کیلیکس و جو استارکس<sup>۴</sup> به ارائه ایدئولوژی‌های بوکر تی واشنگتن و دابلیو. ای. بی. دوبوآ<sup>۵</sup> می‌پردازد. لوگان کیلیکس نماد ایدئولوژی‌ای است که در آن پیشرفت و رفاه مادی به بهای آزادی به دست می‌آید. در مدل برگزیده شده توسط جو استارکس، به شأن افراد توجه بیشتری شده و انسان‌ها باید بهای کمتری را پرداخت کنند؛ هرچند که این مدل سرانجام به جدایی افراد از جامعه منجر می‌شود و آن‌ها از روابط اجتماعی محروم می‌گردند. مدل پیشنهادی هرستون، مدل ایدئولوژیک تیکیک وودز<sup>۶</sup> است که در آن شخص اعتبار و اقتدار خود را نه از جامعه بلکه از امیال و خواسته‌های شخصی خود به دست می‌آورد. از این رو است که در پایان

1.4 Maria J. Racine

2. Ryan Simmons

3. "The Hierarchy Itself: Hurston's *Their Eyes Were Watching God* and the Sacrifice of Narrative Authority."

4. Logan Killicks and Joe Starks

5. Booker T. Washington and W. E. B. Du Bois

6. Tea Cake Woods

رمان، جینی می‌تواند به یک صدای مستقل برسد. همانگونه که از مرور ادبیات پژوهش برمی‌آید، تمرکز منتقدین بر روی گفتمان کلامی جینی و همچنین بر روی پیکر وی بوده است. در حالی که پژوهش حاضر قصد دارد تا با بهره‌گیری از خوانش و اساز نشان دهد گفتمان استفاده شده توسط جینی جهت دستیابی به یک هویت مستقل بسیار فراتر از یک گفتمان کلامی است. در این گفتمان، جینی از عناصری چون خشونت، جنون، همجنس‌خواهی، منطق‌سنجی و یا حتی سکوت برای رسیدن به یک صدا و یا هویت مستقل استفاده می‌کند.

### تأثیر ایدئولوژیک متن و گفتمان بر مناسبات قدرت

بی‌شک، در ارتباط با تأثیر متن بر اجتماع، باید به تأثیر ایدئولوژیک آن، یعنی به تأثیر متن در القاء، تداوم و یا تغییر ایدئولوژی، اشاره کرد. می‌دانیم ایدئولوژی خود عاملی بسیار مؤثر در شکل‌دهی اجتماع است و فرکلاف در تعریفی که از ایدئولوژی ارائه می‌کند، تأکید فراوان بر این تأثیر دارد: «ایدئولوژی نماد جنبه‌هایی از جهان است که در ایجاد، تداوم، و یا تغییر مناسبات اجتماعی از قبیل قدرت، سلطه و استثمار مؤثر هستند» (۹). این تعریف مبتنی بر قدرت از ایدئولوژی در برابر دیدگاه‌های رایج درباره ایدئولوژی قرار می‌گیرد، دیدگاه‌هایی که در آن‌ها، ایدئولوژی نه بر اساس قدرت بلکه بر اساس مجموعه باورها و نگرش‌های گروه‌های اجتماعی تعریف می‌شود. یکی از مثال‌های روشن تأثیر متن بر اجتماع، متن‌هایی هستند که در آن‌ها فمینیست‌ها و به‌ویژه فمینیست‌های سیاه‌پوست از گفتمان در راستای اهداف سیاسی و ایجاد تحولات عظیم اجتماعی استفاده کرده‌اند. در حوزه نظری، در سال‌های اخیر، پژوهشگران فمینیست به این نتیجه رسیده‌اند که برخلاف گذشته زنان به جای قربانیان استثمار جامعه مردسالار به یک نیروی مقاومت و مخالف در برابر مناسبات قدرت تبدیل شده‌اند و این تغییر چشمگیر در سایه رویکرد جدید به گفتمان توسط گروه‌های اقلیت صورت پذیرفته است. دوروتی اسمیت<sup>۱</sup> در کتاب خود با عنوان متون، واقعیت‌ها و زنانگی<sup>۲</sup> در این زمینه می‌نویسد: انسان‌ها تحت تأثیر گفتمان قرار نمی‌گیرند بلکه «از گفتمان به‌عنوان ابزاری جهت ایجاد روابط استفاده می‌کنند که ممکن است در تطابق و یا تضاد با برخی از عناصر اجتماع باشد» (میلز ۷۶). چنین نگاه جامعه‌شناختی به گفتمان، بیشتر از آنکه به انقیاد افراد از طریق گفتمان

1. Dorothy Smith

2. *Texts, Facts and Femininity*

توجه داشته باشد به اقدامات گروه‌ها توجه دارد. در پرتو نگاه جدید به گفتمان، استفاده از «گفتمان زنانگی»<sup>۱</sup> همواره برای نظریه‌پردازان فمینیست در توصیف «ساختارهای زنانگی»<sup>۲</sup> بسیار ثمربخش بوده است. زیرا در گذشته به «زنانگی» به چشم یک ایدئولوژی تحمیلی با هدف استثمار زنان نگاه می‌شده است، در صورتی‌که در حال حاضر، نگاه پژوهشگران به گفتمان کاملاً تغییر کرده و به آنچه افراد برای تغییر مناسبات قدرت انجام می‌دهند «گفتمان» می‌گویند.

سؤالی که پژوهشگران حوزه ایدئولوژی به دنبال یافتن پاسخ آن بوده‌اند این است که چگونه زنان توانسته‌اند با استفاده از گفتمان، ساختارهایی را تغییر دهند که جامعه مردسالار به کمک آن‌ها زنان را به استثمار کشیده است. در خصوص این ساختارها، پولینا پالمر<sup>۳</sup> می‌نویسد: «کلیشه‌های زنانگی ساخته دست مردان هستند» (۳۳). نخستین اقدام ضد این ساختارها و کلیشه‌ها، بازنگری ارزش‌هایی است که مردان برای زنان تعریف کرده‌اند. به‌عنوان مثال، سارا میلز<sup>۴</sup> به نقل از جین بیکر میلر<sup>۵</sup> می‌نویسد: «به ویژگی‌های سازنده زنانگی (احساس، شکنندگی، هیجان) باید در راستای ایجاد جامعه‌ای بهتر و انسانی‌تر نگریست» (۷۸).

### گفتمان زنانگی و قدرت

اقدام مؤثر دیگری که برای تقابل با ساختارهای تحمیلی بر زنان صورت گرفته است تأکید بر استفاده از گفتمان زنانگی بوده است. برای مثال، کریست کریستی و کلر والش<sup>۶</sup> می‌نویسند: «هنگامی‌که زنان درمی‌یابند استفاده از کلام مردانه در حوزه اجتماعی برای آن‌ها چندان کارآمد نیست، آن‌ها باید برای اعلام موجودیت از عناصر گفتمان زنانگی استفاده ابزاری نمایند» (میلز ۷۹). آثار مثبت استفاده زنان از گفتمان زنانگی ثابت می‌کند که میان زنانگی و عدم بهره‌مندی از قدرت ارتباط ذاتی وجود ندارد. اسمیت، در این خصوص، به بیان این مطلب می‌پردازد که ساختار گفتمان تغییرپذیر است (۶۳)، بدین معنا که در بستر زمان، ساختار گفتمان به‌علت تغییر ساختارهای اجتماعی و همچنین به‌علت مقاومت و مخالفت زنان در برابر آن تغییر کرده و در پی آن زنان می‌توانند از

1. discourse of femininity

2. structures of femininity

3. Paulina Palmer

4. Sara Mills

5. Nicholas Royle

6. Chris Christie and Clare Walsh

موجودی منفعل در برابر ساختارهای زنانگی به عاملی فعال و مؤثر در اجتماع تبدیل شوند و این تغییر بزرگ درست همان چیزی است که در چند دهه گذشته به کمک گفتمان زنانگی رخ داده است.

## واسازی

یکی از بدیهی‌ترین اصول واسازی، نفی دوگانه‌های متضاد<sup>۱</sup> است که ریشه در ساختارگرایی دارد. در حقیقت، واسازی باور به وجود مفاهیم به صورت طیف<sup>۲</sup> داشته و اساساً برتری یکی از دو سوی طیف بر دیگری را مردود می‌داند. به عنوان مثال، در واسازی ن می‌توان گفت که سفید بر سیاه، مرد بر زن و گفتار بر نوشتار رجحان دارد. در همین راستا، نیکلاس رویل<sup>۳</sup> در کتاب *واسازی* خود می‌نویسد: واسازی به معنای «از نو بنیان کردن شالوده‌ای که دوگانه‌های متضاد در ابتدا برپایه آن عمل می‌کردند» (۵) است. بنابراین، در واسازی می‌باید شالوده‌ای دیگر از نو بنا نهاد تا بر پایه آن دوگانه‌های متضاد اولیه بتوانند متفاوت عمل کنند و همانگونه که ژاک دریدا در «نامه به دوست ژاپنی» می‌گوید: «هدف نهایی واسازی تخریب نیست بلکه ساخت یک مجموعه جدید است» (۲) و به همین سبب است که نویسندگان این مقاله ترکیب «واسازی» را به عنوان معادل فارسی مناسبی برای کلمه "deconstruction" پیشنهاد کرده‌اند. بی‌شک، بارزترین ویژگی واسازی مرکزستیزی آن است. دریدا و سایر اسازان با نفی اصول نظام خردمرکز محوری<sup>۴</sup> این امکان را بوجود آوردند تا اولاً یکی از دو قطب دوگانه‌های متضاد به عنوان مرکز در نظر گرفته نشود و علاوه بر این آنها این فرصت را ایجاد کردند تا مفاهیم بی‌شماری در حد فاصل دو قطب دوگانه‌های متضاد امکان وجود یابند. در اصل، با به چالش کشیدن نظام خرد - مرکز محوری، واسازی عرصه را برای ظهور گونه‌های جدیدی از ادبیات فراهم آورد که از جمله می‌توان به ادبیات پسا-استعماری و همچنین ادبیات فمینیستی زنان سیاه‌پوست اشاره کرد. از این رو، واسازی را می‌توان ابزاری مؤثر جهت رهایی گروه‌های تحت استعمار دانست.

از میان گونه‌های مختلف واسازی، مدل دریدایی با تاکید فراوان بر خرد - مرکز ستیزی را می‌بایست به عنوان تحول‌سازترین نوع واسازی در حوزه مناسبات قدرت و

1. binary oppositions

2. continuum

3. Nicholas Royle

4. logocentrism systematic

روابط اجتماعی به حساب آورد. هدف و اسازی دریدایی، اثبات ناپایداری سلسله‌مراتب قدرت و در نتیجه تأکید بر بازسازی مناسبات قدرت بوده که از آن گروه‌های به حاشیه رانده شده بی‌شماری به نفع خود سود جستند. نکته دیگری که در و اسازی باید بدان اشاره کرد، تأکید بر عدم تک معنایی بودن متن، و یا به عبارت دیگر چند معنایی بودن متن، است؛ گروه‌های اقلیت از این ویژگی بهره برده و با ارائه خوانش‌های و اساز تلاش نموده‌اند تا با بیان شیوه‌های استعمار در جهت تعدیل مناسبات قدرت حرکت کنند. تمامی خوانش‌های ارائه شده توسط گروه‌های اقلیت از درون متون قرائت شده بوده چرا که آنگونه که دریدا می‌گوید: «فرای متن چیزی وجود ندارد» (ختم کلام، ۱۳۶). باید خاطر نشان کرد، خوانش‌های جدید منجر به امحاء خوانش‌های قدیمی‌تر نشده و در واقع به تکثر معنایی متن کمک می‌کند. به عنوان جمع‌بندی، می‌توان گفت تکثر معنایی برخاسته از و اسازی این امکان را به گروه‌های به حاشیه رانده شده می‌دهد تا بتوانند مضامین سرکوب شده متون توسط طبقه استیلاگر را به صدا درآورند. در همین ارتباط، پیش از خاتمه بحث لازم است به یک سوء برداشت از و اسازی اشاره کرد؛ آنگونه که دریدا در «نامه به دوست ژاپنی» می‌نویسد و اسازی را ن می‌توان تحلیل، نقد، شیوه و یا عملی انتقادی دانست (۳) بلکه باید آن را تنها فن قرائت متن<sup>۲</sup> در نظر گرفت.

### و اسازی زنانگی و ایجاد تحولات اجتماعی

اکنون می‌توان به این نتیجه رسید که «زنانگی» مفهوم ثابت و مشخصی ندارد بلکه وابسته به عوامل زیادی بوده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مناسبات قدرت است. نظریه‌پردازان گفتمان بر این باورند، از آنجایی که قدرت بر اساس مناسبات و تعامل میان افراد و گروه‌ها معنا پیدا می‌کند، همواره امکان به چالش کشیدن آن وجود دارد. اسمیت درباره ارتباط میان گفتمان و قدرت می‌گوید: «تفسیر زنانگی در حوزه گفتمان به معنای انکار آن به عنوان یک نظام دستوری حاکم بر زنان است» (۶۳). چنین نگرش مبتنی بر گفتمان نسبت به زنان این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا زنانگی را آن‌طور که می‌خواهند و نه آن‌طور که برای آن‌ها تعریف شده تفسیر نمایند. میلز این گفته اسمیت را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «هنگامی که به اصول و تصورات ذهنی آن‌گونه که زنان از

1. "Afterword: Toward an Ethic of Discussion."

2. Reading strategy

آن‌ها استفاده می‌کنند... و یا با آن‌ها مخالفت می‌کنند نگرسته می‌شود، دیگر ن می‌توان گفتمان زنانگی را ساخته صنعت مد پنداشت، صنعتی که در آن زنان بسان عروسک خیمه‌شب‌بازی می‌مانند» (۸۲). از این رو، بدیهی است که زنان با استفاده از مفهوم گفتمان می‌توانند و توانسته‌اند تحولات بزرگ اجتماعی ایجاد کنند و خود را به‌عنوان عاملی فعال و نه موجودی منفعل مطرح نمایند.

### گفتمان زنان سیاه‌پوست

با توجه به این نتیجه که گفتمان می‌تواند به‌عنوان ابزاری جهت کسب قدرت مورد استفاده قرار گیرد، باید دید که چگونه زنان و به‌ویژه زنان سیاه‌پوست از گفتمان برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. الیزابت آن بولیو<sup>۱</sup> به نقل از تونی ماریسون<sup>۲</sup> درباره ادبیات سیاه‌پوستان می‌نویسد: «ویژگی بارز ادبیات سیاه‌پوستان زبان آن‌ها است» (۲۳۹). در اینجا، این پرسش مطرح می‌شود که آیا زبان مورد نظر ماریسون با زبان منطق‌مدار جامعه مردسالار سفیدپوستان تفاوت‌های بنیادی دارد. در صورت مثبت بودن پاسخ، پرسش دیگری به‌دنبال می‌آید: آیا زنان سیاه‌پوست با آگاهی کامل از چنین گفتمان‌های متفاوتی استفاده می‌کنند؟ آنچه در ادبیات سیاه‌پوستان، و به‌ویژه رمان‌های فمینیستی نویسندگان آمریکایی - آفریقایی تبار، توجه خواننده را به خود جلب می‌کند کنش‌های گفتمانی<sup>۳</sup> زنان از قبیل جنون، خشونت، سکوت، هم‌جنس‌خواهی و منطق‌ستیزی<sup>۴</sup> است.

در مطالعات خود بر روی آثار برجسته این حوزه ادبی به این نتیجه دست یافته‌ایم که اغلب زنان آمریکایی - آفریقایی تبار از این کنش‌های گفتمانی برای اعلام موجودیت استفاده می‌کنند، در حالی که جامعه مردسالار سفیدپوست - از دیدگاه دوگانه‌های متضاد چون جنون / خردمندی، سکوت / کلام، منطق‌ستیزی / منطق‌مداری و هم‌جنس‌خواهی / ناهم‌جنس‌خواهی - به این کنش‌ها به چشم نابهنجاری نگاه می‌کنند.

واسازی<sup>۵</sup> دوگانه‌های متضاد توسط زنان رنگین‌پوست می‌تواند برای طبقه حاکم بسیار خطرناک باشد، زیرا اساساً دوگانه‌های متضاد توسط طبقه حاکم جهت انقیاد

1. Elizabeth Ann Beaulieu

2. Toni Morrison

3. discursive actions

4. madness, violence, silence, lesbianism, irrationality and hysteria

5. deconstruction

گروه‌های اقلیت ساخته و بر آنها تحمیل می‌شود. میشل فوکو<sup>۱</sup>، در تأیید این مطلب، در مراقبت و تنبیه<sup>۲</sup> می‌نویسد: نهادهای استیلاگر از قبیل نیروی پلیس، روانشناسان و پزشکان بر اساس «تقسیم‌بندی‌های دوگانه (مجنون/ عاقل، خطرناک/ بی‌خطر، هنجار/ نابهنجار)» (۱۹۹) عمل می‌کنند. در برابر، زنان آمریکایی - آفریقایی‌تبار با استفاده از گفتمانی ویژه که ما آن را «گفتمان واساز» نامیده‌ایم، برای تغییر مناسبات قدرت به نفع خود تلاش می‌کند. از این‌رو، فنی بریر ویلیامز<sup>۳</sup> زنان سیاه‌پوست را «یک نیروی مقاومت دارای اراده و نه قربانیان بی‌دفاع» (۱۵۰) می‌خواند. بنابراین، به‌عنوان مثال، «سکوت» نه به معنای تمکین بلکه به معنای مخالفت در مقابل استفاده از زبان طبقه‌ای بوده که عامل استثمار آنها به شمار می‌رود. در همین ارتباط، آنا پالی مری<sup>۴</sup>، فعال جنبش فمینیسم سیاه‌پوستان، می‌گوید: نهاد سرکوب «بخش زیادی از توان خود را از تمکین قربانی‌انش به‌دست می‌آورد» (۱۰۶). به همین سبب، عدم تمکین زنان سیاه‌پوست می‌تواند عامل مؤثر در جهت‌رهایی آنها باشد.

بنابراین، استفاده از «گفتمان واساز» یکی از راه‌های ابراز این مخالفت یا عدم تمکین به شمار می‌رود. آدری لرد<sup>۵</sup> درباره اهمیت ایجاد این گفتمان خاص می‌نویسد: «استفاده از سکوت به‌عنوان زبان گواه شناخت و ادراک خود است» (۴۲). در اینجا، به‌عنوان جمع‌بندی بحث، خاطر نشان می‌شود که زنان فمینیست سیاه‌پوست به‌منظور مقابله با استثمارگران و ایجاد یک حاشیه امن، اقدام به ارائه مفهوم جدیدی از زبان و گفتمان کرده‌اند که در تقابل با زبان طبقه حاکم قرار دارد و عناصر اصلی آن عبارت‌اند از: سکوت، خشونت، جنون، منطق‌ستیزی، هم‌جنس‌خواهی و کنش‌های گفتمانی مشابه. برای روشن‌تر شدن ماهیت این گفتمان، به بررسی آن در نخستین رمان فمینیستی سیاه‌پوستان آمریکا می‌پردازیم.

### گفتمان واساز در رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست

رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست، داستان دختر سیاه‌پوستی به نام جینی را نقل می‌کند که برای رسیدن به یک هویت مستقل اقدام به ترک و یا قتل همسران خود

1. Michel Foucault

2. *Discipline and Punish*

3. Fannie Barrier Williams

4. Anna Pauli Murray

5. AudreLorde



نموده و به هنگام محاکمه در برابر دادگاه سکوت اختیار می‌کند. هرچند توجه بیشتر منتقدین معطوف صدای جینی<sup>۱</sup> شده است، با کمی کندوکاو می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های برجسته گفتمان جینی، «سکوت» و «خشونت» هستند. نکته قابل توجه، اما به‌ظاهر متناقض، در مورد صدای جینی این است که او صدای خود را به کمک سکوت، خشونت و نابهنجاری‌های دیگر به دست می‌آورد و درست همان‌طور که مایکل آکوارد<sup>۲</sup> اظهار می‌دارد: «تصویر غالب در آثار انتقادی و ابتکاری که اخیراً توسط نویسندگان زن آفریقایی - آمریکایی نوشته شده است بیان‌کننده تلاش برای به گوش رساندن صداهای خاموش شده و داستان‌های در گلو خفه شده زنان سیاه‌پوست است» (۱). حال باید دید که در این حرکت جدید، نگرش زنان سیاه‌پوست نسبت به «صدا» چه بوده است؟

بدون شک، بی‌دلیل نیست که هرستون در طرح داستانی خود تصمیم می‌گیرد تا قهرمان رمان سرگذشت زندگی خود را برای زن سیاه‌پوست دیگری به نام فیبی و نه برای خواننده داستان روایت کند. به عبارت روشن‌تر، خواننده، داستان را به‌صورت کلامی از زبان فیبی و همچنین به کمک کنش‌های گفتمانی جینی دنبال می‌کند. جالب توجه است که با پیشرفت داستان، صدای جینی غالب‌تر می‌گردد، در ابتدای داستان، هرستون قهرمان خود را که بر کنش‌ها و سرنوشت خود تسلط چندانی ندارد بی‌صدا تصویر می‌کند، در حالی که در انتهای رمان، صدای غالب از آن جینی است، هرچند که او همچنان سکوت خود را حفظ کرده و تنها از طریق کنش‌های گفتمانی خاص به آن دست پیدا می‌کند. نکته دیگری که توجه ما را به خود جلب می‌کند، تغییر گفتمان جینی با سایر شخصیت‌های داستان بر اساس روابطش با آن‌ها است. ماریا جی راسین<sup>۳</sup> در این زمینه می‌نویسد: «احساس و تحکم در ارتباط تنگاتنگ با کلام و سکوت است و این مطلب در روابط جینی با چهار شخصیت مرد داستان که سه تن از آن‌ها همسر او هستند به خوبی دیده می‌شود» (۲۸۳). برای روشن شدن موضوع بحث، لازم است به بررسی رابطه و گفتمان جینی با این چهار شخصیت بپردازیم.

از میان این چهار تن، لوگان کیلیکس و جو استارکس نماد تحکم و در مقابل، جانی تیلر<sup>۴</sup> و تی‌کیک وودز نماد احساس، عشق و سرزندگی هستند. جینی، پس از رابطه رمانتیک خود با جانی، ابتدا مجبور به ازدواج با لوگان و سپس با جو می‌شود که هر دو

1. Janie's voice

2. Michael Awkward

3. Maria J. Racine

4. Johnny Taylor

سعی در تسلط یافتن بر وی را دارند و به گفتهٔ راسین، جینی در ازدواج با جو «از یک زندان جسمی به یک زندان احساسی» (۲۸۵) انتقال می‌یابد، زیرا اساس روابط میان جینی و لوگان را کار تشکیل داده و پس از ازدواج با جو جینی به حاشیةٔ جامعهٔ ایتن‌ویل<sup>۱</sup> رانده می‌شود. سالی آن فرگوسن<sup>۲</sup> به یک نکتهٔ بسیار مهم در ارتباط با صدای جو اشاره کرده و می‌نویسد: صدای جو به «خاموش کردن صدای جینی» (۱۸۵) بستگی دارد. به‌عنوان مثال، هنگامی که جو به‌عنوان شهردار ایتن‌ویل برگزیده می‌شود، تونی<sup>۳</sup> از جینی دعوت می‌کند تا در برابر جمع چند کلمه‌ای صحبت کند، اما جو چنین اجازه‌ای به او نمی‌دهد و می‌گوید: «از لطف شما ممنونم، اما همسر من چیزی در مورد نطق نمی‌داند... او یک زن بوده و جای وی در خانه است» (۴۳). پس از این واقعه، جینی تلاش می‌کند تا با سلطهٔ جو بر خود مقابله کند و تا بتواند صدای مستقل خود را به‌دست آورد. بدین منظور، او تصمیم می‌گیرد تا صدای مبتنی بر مردانگی جو را از وی بستاند. بنابراین، نخستین قدم در این راه، اثبات عدم مردانگی جو است که جینی از طریق تحقیر و تخریب وجههٔ اجتماعی او موفق به انجام این کار می‌شود. از آنجایی که جو قادر به مقابلهٔ کلامی با جینی نیست به برخورد فیزیکی متوسل شده و به او سیلی می‌زند. و در برابر، جینی جهت گرفتن انتقام و حفظ و صدای مستقل خود، به او می‌گوید: «تو دیگر برای من آنگونه که به هنگام فرار از شهر بودی نیستی» (هرستن، ۸۶).

از این لحظه به بعد، جینی در صدد ایجاد یک رابطهٔ رمانتیک است و پس از ملاقات تی‌کیک، زمینهٔ انجام این کار برای او فراهم می‌شود. تی‌کیک که ویژگی بارز او سرزندگی و خوش‌گذرانی است، به گفتهٔ راسین، «از لحاظ حسی و جسمی یادآور بوسهٔ جانی تیلر بوده و جینی را به دوران نخستین تجربهٔ عاشقانه‌اش می‌برد» (۲۸۷). اما هنوز یک هفته از این رابطه نگذشته، تی‌کیک برای اثبات تسلط خود بر جینی «به او سیلی می‌زند» (هرستون ۱۴۷). البته، این عمل در جامعهٔ مردسالار ایتن‌ویل حکایت از تملک برخاسته از عشق دارد. به اعتقاد آکوارد خشونت تی‌کیک تنها با انگیزهٔ نشان دادن اقتدارش بر جینی به دیگران انجام می‌شود (۴۱ - ۳۹).

در مقابل، جینی برای به‌دست آوردن صدا و استقلال خود تصمیم به قتل همسرش،

1. Eatonville

2. Sally Ann Ferguson

3. Tony

تی‌کیک، می‌گیرد و همان‌گونه که راسین می‌نویسد: «برخلاف خشونت همسران جینی که ناشی از عدم توانایی آن‌ها در بیان احساسات خود به صورت کلامی بوده، خشونت جینی یک عمل خودآگاهانه جهت دفاع از خود است» (۲۸۹). بر این اساس، می‌توان گفت که ارتکاب قتل توسط جینی آخرین اقدام برای به دست آوردن صدا است. به عبارت دیگر، جینی با وجود رابطه بسیار عاشقانه‌اش با تی‌کیک، او را به قتل می‌رساند تا به دیگران اثبات کند که هستی و وجودش مستقل از مردان است. از این رو می‌توان گفت که «صدا» فراتر و مستقل از «کلام» است و می‌تواند با یک نگاه و اساز از طریق سکوت، کم‌گویی و یا خشونت به دست آید. به عبارت دقیق‌تر، صدا «یک ذهنیت و یک حس مثبت بودن است» (راسین ۲۸۹). به همین سبب، هنگامی که جینی تی‌کیک را به قتل می‌رساند، در محاکمه خود در برابر اعضای هیئت منصفه که همگی مرد و سفیدپوست هستند، از سکوت استفاده ابزاری می‌کند تا ناچیز بودن آن‌ها را در برابر هستی مستقل و دارای اراده خود به اثبات برساند و به نظر رابرت ای همینوی<sup>۱</sup>: «این صحنه مثال خوبی برای نشان دادن جینی به عنوان یک زن دارای استقلال است، زیرا در آن جینی به عنوان یک زن تمام‌عیار تصویر می‌شود، کسی که دیگر میان خود درونی و خود بیرونی تقسیم نشده است» (۲۴۰). نیلی مک‌کی<sup>۲</sup> در همین باره می‌نویسد: «ارتباط تی‌کیک با جینی سبب خودآگاهی او شده، اما با مرگ تی‌کیک، وی در خود احساس امنیت می‌کند و شجاعت صحبت کردن با صدای واقعی خود به عنوان یک زن سیاه‌پوست را به دست می‌آورد و دیگر هیچ‌گونه احساس وابستگی به مرد ندارد» (۶۳). از این رو می‌توان گفت که به دست آوردن صدا به معنای به دست آوردن استقلال است.

اکنون که جینی صدا و یا در حقیقت استقلال خود را به دست آورده، با اختیار و اراده تمام مخاطب و سپس بر اساس آن گفتمان خود را انتخاب می‌کند. بنابراین، انتخاب فیبی — یک زن سیاه‌پوست — به عنوان تنها مخاطب داستان زندگی جینی دارای اهمیت فراوان است و همان‌طور که راشل بلا دوپلیسیس بیان می‌کند: «فیبی برای جینی به معنای واقعی کلام در حکم هیئت منصفه و قاضی بوده و شاهد و وکیل مدافع خود جینی است» (۱۰۶). بر این اساس، از آنجایی که جینی موفق شده تا کنترل کلام و حوزه تفسیر آن را به دست گیرد، می‌تواند دنیا را آن‌طور که می‌خواهد تعریف و تصویر نموده و در نتیجه قادر به تعریف هویت خود مطابق با میلش باشد. در حقیقت آنچه جینی در نهایت موفق به انجام

1. Robert E. Hemenway

2. Nellie McKay

آن می‌شود، برجسته کردن هویت مستقل و بااهمیت جلوه دادن پیکر سیاه خود است. به عبارت دقیق‌تر، جینی نه تنها پیکر خود بلکه آن‌طور که دُورا کلارک می‌گوید: او [جینی] با ایجاد «زبان بصری»<sup>۱</sup> موفق شده تا «پیکر همهٔ سیاهان و به‌ویژه زنان سیاه‌پوست را در سراسر رمان به‌طور چشم‌گیری ارائه کند» (۶۰۰) و همان‌گونه که لرد می‌گوید: «زیربنای هویت چشمگیر بودن است» (۴۲).

به‌طور واضح و مشخص، هرستون در این رمان از گفتمانی استفاده می‌کند که به کمک آن صدا و پیکر زنان سیاه‌پوست برجسته شده و در پی آن هویت مستقلی پیدا می‌کنند. در مورد خود جینی می‌بینیم که حضور او در ایتن‌ویل چنان چشمگیر است که هیکس<sup>۲</sup> آرزوی داشتن همسری چون وی را می‌کند که دارای زبان مادرانه و زنانه (هرستون ۳۶) باشد. البته حضور جینی با پیشرفت داستان چشمگیرتر می‌شود و اوج آن زمانی است که پس از مرگ تی‌کیک سرزند خود را به نشانهٔ آزادی می‌سوزاند، سرزندگی که نماد تلاش تی‌کیک برای استتار او در برابر جامعه و در نتیجه انکار هویت مستقل وی است. بنابراین، می‌بینیم که هرستون به‌صورت هم‌زمان از زبان کلامی و بصری، جهت برجسته‌کردن هویت زنان سیاه‌پوست استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، چشمگیر کردن پیکر شخصیت‌های رمان به معنای تجسم صدای آن‌هاست و همان‌گونه که از عنوان رمان برداشت می‌شود، هرستون تلاش برای ایجاد یک زبان کلامی - بصری دارد. با توجه به دست یافتن جینی به چنین زبانی، می‌باید به اقدامات برانداز<sup>۳</sup> جینی با استفاده از آن توجه خاص داشت. زیرا شخصیت‌های مردی که وی سعی در غلبه بر آن‌ها را دارد همگی، و به‌ویژه جو استارکس، دارای صداهای پر قدرتی هستند. هنری لوئیس گیتس جی آر<sup>۴</sup> در این زمینه می‌نویسد: «جو، شخصیت دارای اقتدار و صدا در رمان است» (۲۰۶). بی‌شک، جو به سبب اعتماد به نفس و توانایی‌های سیاسی ذاتی‌اش به یک مرکز قدرت منحصر به فرد در ایتن‌ویل تبدیل شده است و همان‌گونه که جو ما را از نیت خود آگاه می‌سازد، همواره سعی داشته تا صدای غالب باشد، «از همان ابتدا می‌خواستیم که یک صدای قدرتمند شوم» (هرستون ۴۶). او برای دستیابی به این هدف، اقدام به برپا کردن یک فروشگاه در مرکز شهر می‌کند و سپس آن را تبدیل به مرکز گفتمان‌ها کرده و در نهایت، موفق می‌شود تا به‌عنوان شهردار ایتن‌ویل غالب‌ترین

1. rhetoric of sight

2. Hicks

3. subversive

4. Henry Louis Gates Jr.

صدای شهر شود و توجیه وی برای انجام تمامی این کارها این است که «هرچیز می‌باید یک قلب یا مرکز داشته باشد» (هرستون ۴۰). از این رو، جو به‌عنوان قلب و مرکز شهر کنترل تمامی امور و گفت‌وگوهای آن را به‌دست می‌گیرد و آن‌گونه که رایان سیمونز اعتقاد دارد: «با ورود جو و جینی، تمامی روایت‌های فردی پراکنده جای خود را به روایت‌های جمعی می‌دهند» (۱۸۴).

پس از تثبیت جو به‌عنوان مرکز قدرت، وی با انبوهی از «احساسات مثبت و منفی نسبت به جایگاه و دارایی‌های خود مواجه می‌شود، اما هیچ‌کس شهادت انجام اقدامی علیه او را ندارد» (هرستون ۵۰). در اینجا، نکته قابل توجه این است که هرچند که تمامی شهر آماده شورش علیه جو است، اما در نهایت، سقوط او توسط جینی امکان‌پذیر می‌شود. زیرا صدای جینی که توسط مردان شهر خاموش گشته بود، اکنون به‌عنوان صدای غالب و نماینده تمامی مردم شهر مطرح می‌شود و هنگامی که برخلاف مخالفت‌های جو موفق به انجام سخنرانی در برابر فروشگاه مرکزی شهر می‌شود، یکی از حاضرین به نام همبو<sup>۱</sup> خطاب به جو می‌گوید: «همسر تو یک سخنران مادرزاد بوده و ما پیش‌تر این را نمی‌دانستیم. کلام او بیان‌کننده افکار ماست» (هرستون ۵۸). در اینجا است که به گفته سیمنز، «بذر نابودی جو با کلام جینی پاشیده می‌شود» (۱۸۴). در همین راستا گیتس می‌نویسد: «جینی با به استهزاء کشیدن مردانگی جودی، استیلای وی بر خود و جامعه را به پایان می‌رساند، و با این عمل انگیزه جودی برای ادامه حیات را از بین می‌برد» (۲۰۱). کلام جینی چنان مخرب است که گیتس آن را «در حد نارسایی کلیه» (۱۹۳) و عامل مرگ وی می‌پندارد. در حقیقت، جینی با انتقام کلامی راه فرار را برای خود هموار می‌کند، البته، نباید از نظر دور داشت که ویژگی کلام جینی ایجاز بوده و او تنها با بیان یک جمله تمامی قدرت جودی را از وی می‌ستاند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، کنش‌های دیگری از قبیل خشونت، جنون، منطق‌ستیزی و سکوت گفت‌وگوهای جینی را تشکیل می‌دهند. از این رو، می‌توان گفت که منظور هرستون از ترک جانی تیلر، لوگان کیلیکس و جو استارکس و همچنین از قتل‌تی‌کیک توسط جینی این است که «اگر قرار بر این باشد که جینی به یک روایت موفق دست پیدا کند، بی‌شک، آن روایت نتیجه اقدام‌های جینی خواهد بود که لزوماً نباید با کمک و همراهی یک مرد صورت پذیرد» (سیمنز ۱۸۹). هنگامی که جینی به ایتن‌ویل برمی‌گردد، داستان زندگی خود را برای دوستش، فیبی،

1. Hambo

نقل می‌کند و آنگاه خواننده آن را به روایت فیبی و نه جینی دریافت می‌نماید. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که جینی به تدریج تا پایان داستان به یک استقلال زبانی یا گفتمانی دست می‌یابد، زیرا، همان‌طور که دیدیم، او با آگاهی و اختیار تمام مخاطب خود را انتخاب کرده و بر اساس آن از کنش‌های گفتمانی خاص استفاده می‌کند. بی‌شک، یکی از ویژگی‌های مهم کلام جینی این است که خواننده را با پیام‌های متناقض خود به چالش می‌کشد و درحقیقت، همین خوانش‌های متفاوت هستند که برانداز بودن کلام جینی را به اثبات می‌رسانند. در همین ارتباط سیمنز می‌نویسد: «قصد من این نیست که بگویم رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست اصلاً قابل تفسیر نیست، بلکه منظور من این است که هیچ خوانشی را نمی‌باید به‌عنوان تنها و آخرین خوانش دانست» (۱۹۱). پذیرفتن نقطه‌نظر سیمنز به معنای تأیید ویژگی پساساختارگرایی رمان است و درست همان‌گونه که یگانگی هر خوانش از رمان با خوانش و اساز دیگری از میان می‌رود، می‌توان گفت که هر مرکز قدرتی توسط مرکز قدرت دیگری و اسازی می‌شود. ویژگی دیگر رمان که پساساختارگرایی آن را به اثبات می‌رساند گسسته بودن صداها در رمان است و حتی درباره صدای جینی، همان‌گونه که سیمنز می‌نویسد، می‌توان دید: «در ارائه شخصیت جینی به خواننده، هرستون پاره‌های خودی<sup>۱</sup> را ارائه می‌کند که در بستر زمان قابل کشف است» (۱۹۱). بنابراین، چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست به‌عنوان یک رمان پساساختارگرا قهرمان خود را با یک گفتمان و اساز و برانداز به تصویر می‌کشد.

### نتیجه‌گیری

در ادبیات فمینیستی سیاه‌پوستان آمریکا که رمان چشم‌هایشان خدا را می‌نگریست نمونه‌ای از آن است، با شکل جدیدی از گفتمان مواجه می‌شویم که عناصر اصلی آن را سکوت، خشونت، جنون، منطق‌ستیزی و هم‌جنس‌خواهی تشکیل می‌دهند و این عناصر درست همان اجزاء منفی دوگانه‌های متضادی هستند که در نظام خردمرکز محوری<sup>۲</sup>، طبقه حاکم از آن‌ها برای استثمار گروه‌های زیادی از اجتماع استفاده می‌کند. در یک اقدام برانداز، زنان سیاه‌پوست با بهره‌گیری از و اسازی موفق به خلق گفتمانی شده‌اند که برپایه نفی مرکزیت و یا استیلائی برخی از مفاهیم استوار است. به کمک این گفتمان و اساز، گروه‌های به حاشیه رانده شده در جامعه توانسته‌اند شالوده نظامی که مناسبات

1. a self

2. logocentric systematic



قدرت را تعریف می‌کند تخریب کرده و طبقه حاکم را از سلاح استثماراری خود خلع نمایند. در چنین فضایی، زنان سیاه‌پوست توانستند تا حد زیادی صدای خاموش شده خود را بازابند.

به عنوان مثال، جینی، قهرمان داستان، با بهره‌گیری از ویژگی خرد - مرکز ستیزی و سازی و همچنین با تکیه بر قوه خلاقیت و ابتکار خود موفق به ایجاد گفتمانی می‌شود تا به کمک آن بتواند بر تمامی ساختارهای قدرت سرکوب‌گر در اجتماع غلبه کند. ویژگی جالب توجه گفتمان جینی اجزاء و عناصر آن هستند که پیشتر در نظام خرد - مرکز محوری به عنوان جزء منفی دوگانه‌های متضاد تلقی شده و از آنها برای خاموش کردن صدای جینی و در نتیجه انکار هویت مستقلش، همسران وی و جامعه مردسالار استفاده کرده بودند. از این رو، جینی در یک اقدام برانداز از همان اجزاء منفی مانند خشونت، سکوت، و همجنس‌خواهی در ایجاد گفتمان خود استفاده نموده و تا پایان داستان تلاش می‌کند تا به یک صدا و یا هویت مستقل دست یابد. در این راستا، جینی ابتدا مبادرت به ترک عاشق خود به نام جانی و دو همسر خود به نام‌های لوگان و جو که نماد تحکم هستند می‌ورزد. در قدم بعدی، جینی تصمیم به قتل تی‌کیک، دومین عاشق خود، می‌گیرد. با وجود اینکه تی‌کیک در نظر جینی نماد عشق، احساس، و سرزندگی بوده و یادآور اولین تجربه عاشقانه وی با جانی می‌باشد، جینی پس از اینکه تی‌کیک با هدف سلطه‌جویی به او سیلی می‌زند به خشونت متوسل شده و تی‌کیک را به قتل می‌رساند تا با خاموش کردن وی بتواند به صدای مستقل خود دست یابد. هنگامی که جینی در دادگاه و در برابر هیئت منصفه - که همگی مرد و سفیدپوست هستند - ظاهر می‌شود سکوت اختیار کرده و با این اقدام مرکزیت و تحکم آنها را بر خود انکار می‌کند. پس از اینکه جینی با چند اقدام برانداز استقلال خود را به دست می‌آورد، مخاطب خود را انتخاب نموده و سرگذشت زندگی خود را برای یک زن سیاه‌پوست و نه برای خواننده روایت می‌کند در تمامی این اقدامات، جینی مانند زنان سیاه‌پوست دیگر نسبت به تأثیرات تحول‌ساز گفتمان آگهی کامل دارد.

نباید از نظر دور داشت که یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این ادبیات، تأکید فراوان آن بر تأثیر ایدئولوژیک گفتمان در اجتماع و ایجاد تغییرات در مناسبات قدرت است. از این رو، می‌بینیم که گفتمان در ارتباط تنگاتنگ با اجتماع قرار دارد. در خصوص این ارتباط تنگاتنگ میان گفتمان و اجتماع، باید به تأثیر ایدئولوژیک گفتمان در زمینه ایجاد،



القاء، تداوم و یا تغییر مفاهیم اشاره نمود و خاطرنشان کرد که اساساً ایدئولوژی نماد جنبه‌هایی از جهان است که در ایجاد، تداوم، و یا تغییر مناسبات اجتماعی از قبیل قدرت، سلطه و استثمار مؤثر است. بدیهی است که زنان سیاه‌پوست با استفاده از این ویژگی گفتمان و با بهره‌گیری از دیدگاه‌های و اسازی موفق به ایجاد تحولات عظیم اجتماعی از قبیل تغییر ساختارهای قدرت شده و در پی آن می‌توانند صدای سرکوب شده خود را باز یابند. یا به عبارت دیگر، به یک هستی مستقل برسند.

منابع

Awkward, Michael. *Inspiriting Influences: Tradition, Revision, and Afro-American Women's Novels*. New York: Columbia UP, 1989. Print.

Baker-Miller, Jean. *Towards a New Psychology of Women*. Harmondsworth: Penguin, 1978. Print.

Beaulieu, Elizabeth Ann. *Toni Morrison Encyclopedia*. Westport Greenwood Press, 2003. Print.

Clarke, Deborah. "The Porch Couldn't Talk for Looking: Voice and Vision in *Their Eyes Were Watching God*." *African American Review* 35 4 (2001): 599+. Print.

Derrida, Jacques. "Afterword: Toward an Ethic of Discussion." Trans. Weber, Samuel and Jeffrey Mehlman. *Limited Inc*. Evanstone: North Western University Press, 1988. Print.

---. "Letter to a Japanese Friend." *Derrida and Différance*. Eds. Wood, David and Robert Bernasconi. Warwick: Paousia, 1985. 1. Print.

---. *Of Grammatology*. Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1998. Print.

---. "Structure, Sign, and Play in the Discourse of the Human Sciences." Trans. Bass, Alan. *Writing and Difference*. London: Routledge, 1967. 278-94 Print.

DuPlessis, Rachel Blau. "Power, Judgment, and Narrative in a Work of Zora Neale Hurston: Feminist Cultural Studies" *New Essays on Their Eyes Were Watching God*. Ed. Awkward, Michael. Cambridge University Press 1991. 95-123. Print.

Fairclough, Norman. *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge, 2003. Print.

Ferguson, Sally Ann. "Folkloric Men and Female Growth in *Their Eyes Were Watching God*." *Black American Literature Forum* 21 (1987): 185-97. Print.

Foucault, Michel. *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Trans. Sheridan, Alan. New York: Vintage Books, 1975. Print.

Gates, Jr., Henry Louis. *The Signifying Monkey: A Theory of African Amer-*

- ican *Literary Criticism*. New York: Oxford University Press, 1988. Print.
- Hemenway, Robert E. *Zora Neale Hurston: A Literary Biography*. Urbana: U of Illinois P, 1977. Print.
- Hurston, Zora Neale. *Their Eyes Were Watching God*. New York: Harper-perennial Modern Classics, 2006. Print.
- Lorde, Audre. *Sister Outsider: Essays and Speeches (Crossing Press Feminist Series)*. Trumansburg: Crossing Press, 1984. Print.
- McKay, Nellie. "Crayon Enlargements of Life: Zora Neale Hurston's *Their Eyes Were Watching God* as Autobiography." *New Essays on Their Eyes Were Watching God*. Ed. Awkward, Michael. Cambridge: Cambridge University Press 1991. 51-70. Print.
- Mills, Sara. *Discourse*. New York: Routledge, 2004. Print.
- Palmer, Paulina. *Contemporary Women's Fiction: Narrative Practice and Feminist Theory*. Jackson, MS, U.S.A: University Press of Mississippi, 1989. Print.
- Pauli Murray, Anna. *Song in a Weary Throat: An American Pilgrimage*. New York City: Harper & Row, 1987. Print.
- Racine, Maria J. ."Voice and Interiority in Zora Neale Hurston's *Their Eyes Were Watching God*." *African American Review* 28 2 (1994): 283+. Print.
- Royle, Nicolas. *Deconstructions*. New York: Palgrave Publishers Ltd, 2000. Print.
- Simmons, Ryan. "The Hierarchy Itself: Hurston's *Their Eyes Were Watching God* and the Sacrifice of Narrative Authority." *African American Review* 36 2 (2002): 181+. Print.
- Smith, Dorothy. *Texts, Facts, and Femininity: Exploring the Relations of Rulling*. USA: Routledge, 2005. Print.
- Williams, Fannie Barrier. "The Colored Girl." *In Invented Lives: Narratives of Black Women 1860-1960*. Ed. Washington, Mary Helen. Garden City Anchor Books, 1994.150-59. Print.
- Wolff, Maria Tai. "Listening and living: reading and experience in *Their Eyes Were Watching God*." *Black American Literature Forum*. School of Education, Indiana State University, 1982.